

سازش

تبلور حساسه و عرفان در شور و شعور حسینی

محسن برزگر

برزگر، محسن، ۱۳۴۵ -

عاشورا: تبلور حماسه و عرفان در شور و شعور حسینی / محسن برزگر. — قم: فراکاما، ۱۳۹۸.

۳۶۷ص: ۱۴ × ۲۱ س. م.

ISBN: 978-600-96768-1-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

کتابنامه: ص. [۳۵۵] - ۳۶۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق. ۲. واقعه کربلا، ۶۱ق. ۳. عاشورا، الف. عنوان. ب. عنوان:

تبلور حماسه و عرفان در شور و شعور حسینی.

۲۹۷/۹۵۳۲

۱۳۹۸ ع ۲/۳۸۵/ب/۴۱/۵ BP

۴۴۰۵۱۲۷

شماره کتابشناسی ملی



عاشورا تبلور حماسه و عرفان در شور و شعور حسینی

محسن برزگر

ناشر فراکاما

عنوان روی جلد (برگرفته از خط «مراجعه» محمود ابراهیمی فرد)

مجتبی برزگر بقروبی

نوبت چاپ

اول (این ناشر)

تاریخ چاپ

بهار ۱۳۹۸

قیمت

۳۶۰۰۰ تومان

تیراژ

۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۶۸-۱-۱

«همه حقوق در انحصار مؤلف است.»

www.ketab.ir



تقدیم به:

آنان که بر حسین علیه السلام سرور شهیدان گریستند.

قال الامام الصادق، عليه السلام:
انا و آل ابی سفیان اهل بیتین تعادینا فی الله، قلنا صدق الله و قالوا کذب الله.
فقاتل ابوسفیان رسول الله، صلی الله علیه و آله
و قاتل معاویة علی بن ابی طالب، علیه السلام
و قاتل یزید بن معاویة الحسین بن علی، علیه السلام
و سفیانی یقاتل القائم، علیه السلام.

(بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۵؛ ج ۵۲، ص ۱۹۰)

امام صادق، که درود خدا بر او باد، فرمود:
ما و خانواده‌ی ابوسفیان دو خاندانی هستیم که با یکدیگر
بر سر خدا دشمنی کردیم. ما گفتیم: خدا راست گفت و
آنان گفتند: خدا دروغ گفت.
ابوسفیان با رسول خدا، صلی الله علیه و آله، جنگید
و معاویه با علی بن ابی طالب، علیه السلام، جنگید
و یزید بن معاویه با حسین بن علی، علیه السلام، جنگید
و سفیانی با قائم، علیه السلام، می‌جنگد.

(حکایت املا، ص ۲۶، ص ۳)

فهرست

۱۵ به نام خدا

۱۹ سرآغاز

امام حسین علیه السلام

۲۸ امام در قرآن

۳۰ فرزندان امام

۳۲ سیره امام

۳۳ کمک به بیچارگان

۳۳ بردباری

۳۴ حکومت یزید

۳۵ خودداری از بیعت

۳۷ از مکه تا کربلا

۳۹ تَنْعِيم

۳۹	صِفاح
۳۹	ذات عِرْق
۴۰	حاجر
۴۰	خُرَیْمِیَه
۴۲	رَزُود
۴۲	ثعلبیه
۴۳	شَقُوق
۴۳	زبان
۴۳	بطن عقبه
۴۳	شَراف
۴۳	ذو حُسَم
۴۴	بِیضَه
۴۴	عَدِیب الهِجانات
۴۴	قصر مُقاتل
۴۷	نِینوی
۴۷	کربلا

برترین یاران

۵۲	یاوران امام
۷۹	پیام آور عاشورا، زینب کبری
۸۲	مرقد مطهر آن حضرت

۱۸۴	 ویژگی‌های یاران
-----	-----------------------

سرزمین کربلا

۹۰	 وائِه کربلا
۹۱	 تکه‌ای از آسمان
۹۲	 ویرانی قبر امام
۹۶	 خرید سرزمین کربلا

حماسه و عرفان

۱۰۳	 عرفان با حماسه
۱۰۴	 حماسه جاودان
۱۰۴	 مظهر خشم خدا
۱۰۵	 از حماسه تا شهادت
۱۰۷	 امام شهادت یا شفاعت
۱۰۹	 عرفان مجسم
۱۱۰	 مفهوم عرفان
۱۱۱	 ملاقات خدا
۱۱۳	 سخن عشق
۱۱۳	 کشتارگاه عاشقان
۱۱۵	 خلافت الهی
۱۱۶	 انسان کامل

- ۱۱۹ میدان حماسه و عرفان
- ۱۲۰ تاسوعا
- ۱۲۱ شب عاشورا
- ۱۲۱ سخنرانی امام
- ۱۲۵ شبی به یادماندنی
- ۱۲۶ روز تبلور حماسه و عرفان
- ۱۲۷ دعای امام در صبح عاشورا
- ۱۲۸ آغاز جنگ
- ۱۲۹ حرّ بن یزید ریاحی
- ۱۳۰ یک نکته
- ۱۳۳ مرقد حرّ
- ۱۳۵ حبیب بن مظاهر
- ۱۳۷ زهیر بن قین
- ۱۴۱ حضرت علی اکبر
- ۱۴۵ بازگشتی عاشقانه
- ۱۴۷ حضرت ابوالفضل العباس
- ۱۵۸ سیدالشهداء، دلیرمرد حماسه و عرفان
- ۱۶۵ قاتلان آن حضرت
- ۱۶۵ عمر بن سعد بن وقاص
- ۱۶۷ شمر بن ذی الجوشن
- ۱۶۹ تازیدن اسب بر بدن امام

عزاداری

- ۱۷۶ گریه کنندگان بر امام
- ۱۷۷ آمرزش گناهان
- ۱۸۱ نخستین منبر حسینی
- ۱۸۵ چشمه فیض خدا
- ۱۸۸ نخستین دستور رسمی به عزاداری
- ۱۸۹ نگاهی عارفانه
- ۱۹۳ دو دیدگاه دیگر
- ۱۹۷ کوتاه سخن

سُعر و رثا

- ۲۰۵ مرثیه‌های عاشورایی

تحریف‌ها

- ۲۱۹ تحریف لفظی
- ۲۱۹ تحریف معنوی
- ۲۲۰ تحریف در واقعه عاشورا
- ۲۲۱ چند نمونه تحریف لفظی
- ۲۴۱ چند نمونه تحریف معنوی
- ۲۴۶ شرایط اهل منبر

- ۲۵۱ یک پرسش و پاسخ
- ۲۵۲ توصیه محدث نوری

تحلیل‌ها

- ۲۶۱ تاریخی
- ۲۶۲ روایی
- ۲۶۲ دینی
- ۲۶۳ سیاسی
- ۲۶۴ جامعه‌شناسی
- ۲۶۴ روان‌شناسی
- ۲۶۵ عرفانی
- ۲۶۶ نمونه یک تحلیل

اعمال و زیارت

- ۲۸۱ شب عاشورا
- ۲۸۲ روز عاشورا
- ۲۹۲ چاره بلا
- ۲۹۳ در تبریز یا کربلا !
- ۲۹۳ السلام عليك يا ابا عبدالله
- ۲۹۴ برداشتن عذاب
- ۲۹۶ نماز زیارت

- ۳۰۵ صد نفرین و صد سلام
- ۳۰۷ نخستین زایر حسینی

نکته‌ها و حکایت‌های به یادماندنی

- ۳۱۵ نخستین مقتل نویسان
- ۳۱۷ مرقه مطهر امام
- ۳۱۸ پرچمی به رنگ خون
- ۳۱۹ شفا در تربت سیدالشهداء
- ۳۲۰ روایت یا عبارت
- ۳۲۱ بعضی کهنه از پدر
- ۳۲۳ دفن شهدای کربلا
- ۳۲۴ معنای تباکی
- ۳۲۷ باور نمی‌کردم
- ۳۲۸ گریه موجودات بر سیدالشهداء
- ۳۲۹ درخت عزادار
- ۳۳۰ کل یوم عاشورا
- ۳۳۱ قضیب
- ۳۳۱ یک ننگ کمتر، بهتر
- ۳۳۲ جواب سلام
- ۳۳۳ میهمان سیدالشهداء
- ۳۳۵ کسوف روز عاشورا

۳۳۶ واقعه کربلا در خواب

۳۳۷ روز جمعه یا دوشنبه

۳۳۹ امام، کشته روز سقیفه

۳۴۱ علم امام

۳۵۲ عاشورا به زبان حافظ

۳۵۵ گزیده مباح

به نام خدا

فَأَن لَّ نَفَرٍ مِّن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^۱ پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را -وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند- باشد که آنان از کیفر الهی [بترسند؟

تفقه در دین تنها به شناسایی فروع و عادات فقهی بر نمی‌گردد،^۲ بلکه هر اثر دینی که در نکوداشت دین مؤثر باشد، تفقه در دین به شمار آید.

این سخن حضرت علامه ذوالقنون آملی^۳ شاعرانی، رضوان الله علیه، است که نقل المناقب و المآثر و المعجزات و موالید الأئمة، علیهم السلام، و مقتل سیدنا ابی عبدالله الحسین، روحی فداء، و امثال ذلك اضماً من التفقه، و لادلیل علی تخصیصه بما نسّمیه فقهاً من الاحکام و الفروع^۴ هر یادکردی از ویژگی‌های خوب، به جاگزارده‌ها، معجزه‌ها، زندگانی امامان علیهم السلام، و

۱. توبه: ۱۲۲.

۲. علامه طباطبایی، رضوان الله علیه در تفسیر آیه‌ی سرآغاز سخن، نویسد: ان المراد بالتفقه تفهیم جمیع المعارف الدینیة من اصول و فروع لا خصوص الاحکام العملية و هو الفقه المصطلح علیه عند المتشرعة و الدلیل علیه قوله تعالی لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ، فان ذلك امر انما يتم بالتفقه فی جمیع الدین و هو ظاهر. (دور

المنبر الحسینی، ص ۱۹۴؛ به نقل از: المیزان، ج ۹، ص ۴۱۹)

۳. المدخل، ص ۵۱.

نیز مقتل مولای ما اباعبدالله الحسین، که جانم فدای او، و به مانند آن از فقه شمرده می‌شود و دلیلی نیست بر اختصاص دادن فقه به آن چیزی که ما بدان - از احکام و فروعات شرعی - فقه گوئیم.

دفتر تاریخی حماسه و عرفان بی‌مانند عاشورا را شاید که به راحتی نتوان خواند و فهمید، ولی می‌توان برگ‌برگش را ورق زد و از معانی ناب زلال معرفتش اندکی چشید.

خدایی را عزوجل، هزاران بار سپاس و ستایش سزااست که توفیقمان داد تا برگی بر اوران این دفتر بی‌پایان هستی بیفزاییم و باری دیگر در مدرسه‌ی حماسه و عرفان حضرت اباعبدالله الحسین، علیه‌السلام، بنشینیم و فراگیریم آن آموزه‌های پیرامون راز عشق و مستی که یاران او از او آموختند و با یک «یا حسین» گفتن عاشودایی، هر ناکسان یزیدی تاریخ، تاخته و در راه زنده‌نگاه داشت اسلام ناب جهان باختند.

پیرامون زندگانی امام حسین، به‌ویژه مقتل‌نویسی و عاشوراپژوهی، مطالب بسیار فراوانی می‌توان سراغ گرفت اگرچه در این میان، تکرار و دوباره‌نویسی، کم نیست، ولی مضمون‌های ناب و دست‌نخورده‌ای نیز وجود دارد که می‌توان درباره‌اش سخن گفت و نوشت.

به گفته‌ی صائب تبریزی:

یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت

در بند آن مباش که مضمون نمانده است

زیرا رفتار و سخن اهل بیت، علیهم‌السلام، به مانند قرآن کریم - ثقل اصغر

و اکبر^۱ - هم چون دریایی ژرف و شگرف است که همواره می توان در آن به ژرف کاوی دست یازید.^۲

ما این نوشته را - که در برابر شماست - در ده بخش عاشورایی آوردیم تا ماندگی ای داشته باشد با دهر روز نخست ماه محرم که سرآمدشان روز دهم که به یقین یکی از ایام الله، روز عاشورا است. به امید آن که - ان شاء الله تعالی - مفید بآید باشد.

در پایان، شایسته می دانم تا از همسرم که با فداکاری های خود و فراهم کردن محیطی آرام، و همه ی کسانی که مرا برای نگاشتن این نوشته یاری دادند، سپاس گزاری کرده و توفیقات ایشان را از ذات اقدس باری تعالی خواستار باشم.

باشد که همگانمان به نگاهی از سر مهر و دوستی حضرت حسین، این پاره ی تن رسول خدا و دُر دانه ی زهرا - که درو خدا و آفریدگانش بر ایشان باد - خشنود شویم.

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گویی چشمی به ما کنند

۱۱ ذیقعدہ ۱۴۲۴ هـ ق = ۱۴ دی ماه ۱۴۰۲ هـ ش

سالروز میلاد امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام

۱. عترت طاهرین گرچه به لحاظ مقام های معنوی و در نشئه ی باطن از نظر بزرگان دین مانند صلوات جواهر و کاشف الغطاء از قرآن کمتر نیستند، اما از نظر نشئه ی ظاهر و در مدار تعلیم و تفهیم معارف دین، قرآن کریم، ثقل اکبر و آن بزرگواران، ثقل اصغرند و در این نشئه، جسم خود را نیز برای حفظ قرآن فدا می کنند. (هشتصد نکته درباره ی قرآن، ص ۱۵۳؛ به نقل از آیت الله جوادی آملی)

۲. بنگرید به: سیری در سلوک حسینی، ص ۲۱.

سرآغاز

برای واژه‌شناسی عاشورا باید گفت که آن بر وزن «فَاعُولاً» است و این وزن یکی از وزن‌های عددی، در زبان عربی است که بعد از اسلام، تنها برای دو عدد نهم (= تاسوعا) و دهم (= عاشورا) به کار رفته است.^۱

عاشورا، عاشوراء، عَشُوراء، عَشُوراء و عاشور^۲ همه به معنای دهم ماه محرم می‌باشند.^۳

ابن منظور مصری آورده: عاشوراء و عَشُوراء، ممدودان: اليوم العاشر من المحرم^۴ و به فارسی ابوریحان بیرونی، (۳۶۲-۴۴۰ ق) آن‌که: اندر محرم نام دهم، روز عاشورا است.^۵

۱. اربعین حسینیّه، ص ۸۰؛ نیز بنگرید به: شفاء الصدور، ص ۵۱.

۲. در اشعار فصیحه عرب متأخرین، استعمال عاشور وارد شده، چنان‌چه سید اجل اعظم دالحسین الرضی، رضی الله عنه، که جماعتی از ادباء عامه و خاصه، اشعار او را حجت می‌دانند، گفته: فقلت هیئات فات السمع لاثمه لا یعرف الحزن الا یوم عاشور

(همان ص ۵۱)

۳. بنگرید به: لغت‌نامه‌ی دهخدا، ص ۱۳۸۱۵.

۴. لسان العرب، ج ۴، ص ۵۶۹. وی در دنباله‌اش نویسد: و قیل: التاسع. این‌که روز نهم هم عاشورا خوانده شده باشد، چندان وجهی ندارد، زیرا «آن‌چه در صحیح بخاری از ابن عباس نقل شده که عاشورا نهم است و تاسوعا، هشتم، البته کذب و مقترئ است». (شفاء الصدور، ص ۵۰)

۵. التفهیم، ص ۲۵۱.

و در آثار الباقیه اش می خوانیم: والیوم العاشر منه [من شهر المحرم] یسمی عاشورا و هو یوم مشهور الفضل.^۱

گفته اند که عاشورا عربی شده ی واژه ی عبرانی «عاشور» - نام روز دهم ماه تشری یهودیان - است. و قد قیل: انّ عاشورا هو عبرانی معرب، یعنی: عاشور و هو العاشر من تشری الیهود.^۲

در جاهلیت، ماه محرم همانند سه ماه ذی القعدة، ذی الحجة و رجب، از ماه های حرام شمرده می شد و اعراب از جنگ و خونریزی در این ماه ها پرهیز می کردند.^۳ در قرآن کریم می خوانیم: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كَتَبِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ؛^۴ در حقیقت شماره ی ماه ها نزد خدا، از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است. از این [دوازده ماه] چهار ماه، [ماه] حرام است.

پس بزرگداشت و احرام این چهار ماه، واجب، و پاسداری از حرمتشان نسبت به دیگر ماه های سال، بیشتر است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ فِيهِ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفَرٌ بِئْسَ —^۵؛ از تو درباره ی کارزار در ماه حرام می پرسند، بگو: کارزار در آن

۱. الآثار الباقية، ص ۴۲۰.

۲. همان، ص ۴۲۱؛ نیز بنگرید به: شفاء الصدور، ص ۵۰.

۳. و الأشهر الحرم هي أربعة: ثلاث متواليات سرد، و هي: ذوالقعدة و ذوالحجة و المحرم و شهر منفرد هو شهر رجب. فهي ثلث السنة اذن و كان الجاهليون يعظمونها و لا يستبيحون القتال فيها، حتى إن الرجل يلقى فيها قاتل أبيه و أخيه فلا يهيجه، استعظماً لحرمة هذه الأشهر. (المفصل، ج ۸، ص ۴۷۱)

۴. توبه: ۳۶.

۵. از این به پس هر جا این نشانه (—) را آوردیم، به معنای «ادامه دارد...» می باشد.

۵. بقره: ۲۱۷.

گناهی بزرگ و [بازداشتن از] راه خدا و کفرورزیدن به او — [است].
 گویا محرم در جاهلیت به صفرالاول نامیده می‌شده و برای همین در
 تقویم‌های جاهلی، صفرالاول (=محرم) و صفرالآخر (=صفر) وارد شده
 است،^۱ چنان‌که در تقویم‌های امروزی هنوز دو ماه به نام‌های ربیع‌الاول و
 ربیع‌الآخر، و دو ماه به نام‌های جمادی‌الاولی و جمادی‌الآخره یاد شده است.^۲

۱. اگر چه برخی «المؤتمر» را نیز نام جاهلی «محرم» می‌دانند. (دریاره‌اش بنگرید به: شرح قصیده حسن

۲. بنگرید به: المفصل، ج ۸، ص ۴۷۹.

بن راشد، ص ۳۹۶)